

کتابخانه اطلاعات



دانشگاه اصفهان  
دانشکده علوم اداری و اقتصاد  
گروه حقوق

## پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

### تبیین تغلیظ دیه در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران

استاد راهنما:

دکتر مرتضی طبیبی

استاد مشاور:

دکتر حسن پور بافرانی

پژوهشگر:

سعید مددی جابری

آذرماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه حقوق

## پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

### تبیین تغلیظ دیه در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران

در تاریخ ۹۱/۶/۲۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر مرتضی طبیبی جبلی با مرتبه ی علمی استادیار امضا
- ۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر حسن پوربافرانی با مرتبه ی علمی استادیار امضا
- ۳- استاد داور داخل گروه دکتر رسول مظاهری با مرتبه ی علمی استادیار امضا
- ۴- استاد داور خارج گروه دکتر علیرضا شادمان فر با مرتبه ی علمی استادیار امضا

امضای مدیر گروه

تقدیر و تشکر

باسپاس فراوان از جناب آقای دکتر طیبی و دکتر پوربافرانی و تمامی اساتید حقوق در گذشته، حال و آینده.

## چکیده

در حقوق ما که برگرفته از فقه اسلامی است، بحث تغلیظ دیه از زمان صدر اسلام، وجود داشته است، اما به خاطر گستردگی و اهمیت سایر مباحث به این بخش کمتر پرداخته شده و هنوز ابهاماتی و سؤالاتی در این زمینه وجود دارد. مطابق نظر فقها و نیز ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی هرگاه جنایت خواه خطا خواه عمد در یکی از ماه های حرام (رجب، ذی القعدة، ذی الحجه، محرم) و یا در حرم مکه واقع شود باید علاوه بر دیه کامل، ثلث دیه را هم به عنوان تغلیظ ادا کرد، بنابراین ارتکاب قتل در این ماه ها موجب بیشتر شدن مبلغ دیه می شود، اما آیا قتل خطای محض نیز مشمول حکم تغلیظ دیه می شود؟ آیا حکم قتل در حرم مکه را می توان به حکم قتل در غیر حرم تسری داد؟ رویه قضایی در این زمینه چگونه است؟ فلسفه تغلیظ دیه، مستندات فقهی و روایی حکم چیست؟ و دیگر سؤال ها که به طور مفصل بحث شده است. بر همین اساس بر آن شدیم که در پژوهشی مفصل و مجزا با روشی توصیفی، برای سؤالات فوق پاسخ هایی پیدا کنیم. در این راه منابع کتابخانه ای و تحلیل و تفسیر حقوقی و منطقی راهگشا می باشد. با بررسی کتب فقهی و حقوقی و نیز سیر تحولات تاریخی ماه های حرام و تغلیظ دیه از صدر اسلام تاکنون تمامی سؤالات فوق با پاسخ هایی روشن و تا حدودی قابل قبول رو به رو گردید.

از مجموع آیاتی همچون آیه ۲ سوره مائده، ۵ سوره توبه، ۱۹۱ سوره ی بقره، ۹۷ سوره مائده به دست می آید که خداوند برای ماه های حرام و حرم مکه احترام خاصی قایل شده است. دلیل این امر آن است که مردم باید مکانی داشته باشند تا در آن احساس امنیت کنند به آن پناه ببرند و در آن جا نگران هیچ خطری نباشند و این مکان امن مکه است و همچنین مردم باید در زمانی بتوانند احساس امنیت کنند و آسوده خاطر باشند، گروهی به اصلاح معیشت خود بپردازند، گروهی به عبادت خدا مشغول شوند، گروهی به استراحت بپردازند و این زمان همان ماه های حرام است. این آیات بر لزوم احترام ماه های حرام متفق القولند و قتل نیز هتک حرمتی است که مستوجب تشدید مجازات است، مضافاً بر این که روایات امامان معصوم (ع) که به اعتقاد ما شیعیان مفسر قرآن هستند بر چنین چیزی تصریح دارد، البته در مورد تغلیظ دیه در قتل در حرم مکه، تأمل و ملاحظه وجود دارد همان گونه که تغلیظ دیه ی قتل خطای محض هم محل اشکال است. در خصوص سرایت این حکم بر سایر امکنه و ازمنه با توجه به این که حکم تغلیظ دیه خلاف اصل است و می بایست به قدر متیقن اکتفا کرد اصل براءت جاری می شود اما مطابق این ماده و نظر فقهای امامیه، روایات اطلاق دارد و شامل همه ی انواع قتل می گردد همان طور که اکثر پرونده های که مشمول این حکم در محاکم می گردد پرونده های مربوط به تصادف رانندگی می باشد. در فقه اهل سنت نیز دیه در سه مورد تغلیظ می گردد: هرگاه قتل در حرم یا ماه حرام انجام گیرد وقتی که قاتل یکی از محارم را بکشد، که مورد سوم را قانون نپذیرفته است. قانونگذار در مورد تغلیظ دیه به صورت کلی اقدام به طرح مسئله و وارد کردن آن به نظام کیفری کرده است، بنابراین ضروری است که این ماده مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرد تا بتواند به قضات در جهت اجرای عدالت و صدور حکم احکام متقن کمک نماید.

**واژگان کلیدی:** تغلیظ دیه، فوت، دیه، رویه قضایی، قتل.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

۱	مقدمه
۱	۱-۱ پیشینه تاریخی ماه های حرام
۲	۱-۱-۱ قبل از اسلام
۵	۱-۱-۲ بعد از اسلام
۶	۱-۱-۳ ماه های حرام
۷	۲-۱ تعاریف
۷	۱-۲-۱ دیه
۷	۱-۲-۱-۱ تعریف لغوی دیه
۸	۲-۱-۲-۱ تعریف اصطلاحی
۸	۱-۲-۱-۲-۱ تعریف از دیدگاه فقهای شیعه
۹	۲-۲-۱-۲-۱ تعریف فقهای اهل سنت
۱۰	۲-۲-۱ تعریف تغلیظ دیه
۱۱	۳-۱ ماهیت دیه مغضله
۱۱	۱-۳-۱ بررسی و نقد ادله ی طرفداران جزایی بودن ماهیت دیه
۱۱	۱-۳-۱-۱ ادله فقهی
۱۲	۲-۱-۳-۱ ادله قانونی
۱۹	۳-۳-۱ طرح ادله ی طرفداران جبرانی بودن ماهیت دیه
۲۵	۳-۳-۱ سایر نظرات در مورد ماهیت دیات
۲۵	۱-۳-۳-۱ اصل کیفری بودن دیه
۲۵	۲-۳-۳-۱ ماهیت دوگانه دیه
۲۹	۴-۳-۱ دیه و مسئولیت مدنی
۳۸	۵-۳-۱ نتیجه گیری
۳۸	۴-۱ فلسفه و حرمت ماههای تغلیظ دیه

## فصل دوم: اسباب، ادله، احکام تغلیظ دبه در فقه اسلامی

- ۱-۲ اسباب تغلیظ دبه و ادله آن ..... ۴۱
- ۱-۱-۲ اسباب تغلیظ دبه در فقه امامیه ..... ۴۲
- ۱-۱-۱-۲ ادله و احکام ماه های حرام ..... ۴۲
- ۱-۱-۱-۲-۱ ماه های حرام در قرآن ..... ۴۲
- ۱-۱-۱-۲-۲ ادله تغلیظ در ماه های حرام ..... ۴۵
- ۱-۱-۲-۲ ادله و احکام حرم مکه ..... ۴۶
- ۱-۱-۲-۱-۲ حرمت حرم مکه و حدود آن ..... ۴۷
- ۱-۱-۲-۲-۲ حکم تغلیظ دبه در حرم ..... ۴۹
- ۱-۱-۲-۳ مسائل پیرامون احکام حرم مکه و ماه های حرام ..... ۵۰
- ۱-۱-۲-۳-۱ تغلیظ دبه در سایر امکته و ازمنه ..... ۵۱
- ۱-۱-۲-۳-۱-۲ قتل در حرم و در ماه حرام ..... ۵۲
- ۱-۱-۲-۴ تأثیر رابطه خویشاوندی در حکم تغلیظ دبه ..... ۵۳
- ۱-۱-۲-۲ اسباب تغلیظ دبه در مذاهب اهل سنت ..... ۵۴
- ۲-۲ شرایط و کیفیت تغلیظ ..... ۵۵
- ۱-۲-۲ شرایط ..... ۵۵
- ۱-۱-۲-۲ وقوع فعل جانی، صدمه و فوت در ماه حرام یا حرم مکه ..... ۵۶
- ۲-۱-۲-۲ شخصیت مجنی علیه ..... ۵۹
- ۳-۱-۲-۲ تأثیر نوع قتل بر حکم ..... ۵۹
- ۲-۲-۱-۴ تغلیظ در دبه قطع اطراف و جنایت بر اعضا ..... ۶۲
- ۵-۱-۲-۲ دبه مغلظ و پرداخت آن از بیت المال یا هر شخصی دیگر غیر از مرتکب ..... ۶۲
- ۶-۱-۲-۲ تغلیظ دبه در خودکشی ..... ۶۷
- ۳-۲-۲ کیفیت تغلیظ دبه در فقه اسلامی ..... ۶۷

## فصل سوم: تغلیظ دبه در حقوق کیفری ایران

- ۱-۳ حرمت ماههای حرام و سابقه ی قانونی ..... ۶۹
- ۲-۳ اسباب تغلیظ دبه ..... ۷۱



۱-۲-۳ حرم و ماه های حرام در قانون .....	۷۱
۲-۲-۳ تغلیظ دیه در سایر ازمنه و امکانه .....	۷۲
۳-۲-۳ تغلیظ دیه در قتل خویشاوندان و تبصره‌ی محذوف ماده ۲۹۹ .....	۷۲
۴-۲-۳ حکم تغلیظ در موارد مسئولیت بیت المال، با توجه به ماهیت دیه مغلظ .....	۷۳
۳-۳ شرایط تغلیظ در حقوق کنونی .....	۷۴
۱-۳-۳ نوع قتل مشمول تغلیظ .....	۷۴
۲-۳-۳ وقوع صدمه و فوت در ماه حرام یا حرم مکه .....	۷۶
۳-۳-۳ مقدار دیه مازاد در هنگام تعداد اسباب .....	۷۸
۴-۳-۳ اثر جهل نسبت به حکم یا موضوع .....	۷۹
۴-۳ تغلیظ دیه در قتل اهل ذمه در قانون مجازات اسلامی .....	۸۰
۵-۳ کیفیت تلغیظ دیه در قانون مجازات اسلامی .....	۸۱
نتیجه گیری .....	۸۲
پیشنهادهات .....	۸۵
منابع .....	۸۶

## مقدمه

هم زمان با حیات بشر تاکنون حقوق به عنوان جزء لاینفک زندگی همواره با انسان همراه بوده است. حقوق با تحولات انسان و جامعه انسانی همیشه در حال دگرگونی و فراز و نشیب بوده است، در ابتدا مباحث حقوقی به صورت ساده و نه چندان فنی پیش روی بشر اولیه وجود داشته و بشر برای حفظ و بقای خود به آن توجه می کرده است، اما همزمان با متمدن شدن انسان این موضوع پیچیدگی هایی خاص پیدا کرده و به شاخه های مختلفی تقسیم شده است، که هر کدام از این شاخه ها امروزه به عنوان موضوع یکی از رشته های دانشگاهی و علمی مورد توجه است. در این میان حقوق جزا که مستقیماً با مسائل حاکمیتی و حفظ حقوق و آزادی های افراد جامعه مرتبط است، همواره مورد توجه خاص و ویژه بوده است از زمانی که تاریخ به یاد دارد، حقوق جزا کمترین مسائل را در بردارد از زمانی که حمورابی در قانون نامه معروف خود نشان می دهد که چگونه قدرت قانونگذاری و اجرای آن را از شمس، رب النوع خورشید و فرای عدالت دریافت می کند تا به امروز که مباحث جدیدی مثل عدالت ترمیمی و حقوق جزای قراردادی خود نمایی می کند، حقوق جزا جایگاه خود را حفظ کرده است. یک شاخه مهم در حقوق جزا، جرائم علیه اشخاص است که به فراخور حیات انسان و آزادی های او بیشترین توجهات را به خود اختصاص می دهد. در حقوق ما که برگرفته از فقه اسلامی است بحث تغلیظ دیه به عنوان یک بحث کوچک در مقابل مباحثی که در جرائم علیه اشخاص مطرح است، از زمان صدر اسلام و شاید قبل از آن وجود داشته اما به خاطر گستردگی و اهمیت سایر مباحث در این بخش کمتر به آن پرداخته و توجه شده است و به رغم وجود فقه پویای اسلامی هنوز ابهامات و سوالاتی را در خود جای داده است. در این مختصر سعی می شود مسائل پیرامون تغلیظ دیه به عنوان یک حکم اسلامی که در قانون فعلی ما نیز مورد قبول و توجه قرار گرفته اند به صورت مشروح مورد بررسی قرار گیرد و تا حد امکان ابهامات آن تحلیل شود.

## طرح تحقیق

### الف) شرح و بیان مسئله پژوهشی

تغلیظ در لغت به معنای تشدید است، دیه در لغت به معنای خون بها بوده و در اصطلاح حقوق و فقه اسلامی دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی) و نیز ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی دیه را چنین تعریف کرده است: «دیه مالی است که به سبب جنایت به نفس یا عضو مجنی علیه به ولی یا اولیاء دم او داده می شود».

از دیدگاه اسلامی برخی زمان ها و مکان ها حرمت خاصی دارند که وقوع قتل در آن ها از نظر فقهای امامیه موجب افزایش و تغلیظ دیه می شود. در ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی که به شرح زیر منعکس شده است «دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر یکی از موارد شش گانه مذکور در ماده ۲۰۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم اضافه شود و سایر امکان و ازمنه هرچند متبرک باشند دارای این حکم نیستند.»

این در حالی است که در فقه اهل سنت، دیه در سه مورد تغلیظ می شود: قتل در حرم، قتل در ماه حرام و وقتی مقتول از محارم باشد. با عنایت به ظاهر ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: «تغلیظ دیه برای تشدید مجازات است» ممکن است این نکته به ذهن متبادر شود که مازاد دیه به عنوان جزای نقدی باشد و به ناچار باید به خزانه دولت واریز شود و به اولیا دم داده نشود. با توجه به اینکه علت تشدید مجازات مربوط به شخصیت مقتول نیست بلکه مربوط بر زمان و مکانی است که حرمت آن دینی و اخلاقی است، یا اینکه، هرگاه صدمه در ماه حرام و فوت در ماه های غیر حرام تحقق یابد، و یا اینکه صدمه در ماه محرم و فوت در ماه ذیقعه تحقق پیدا کند آیا باز هم می توان دیه را تشدید کرد؟

لذا این مسئله و مسائلی همچون تغلیظ دیه در مورد مصالحه، اجتماع دو سبب تغلیظ، اشکالات قانونی ماده ۲۹۹، علل حذف تبصره و ابهامات موجود در رویه قضایی و... نگارنده را بر این داشته که موضوع مذکور را برگزیند، بنابراین بیان فلسفه ی تغلیظ دیه، مستندات فقهی و روایی این حکم و تحلیل ابعاد این موضوع از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت و نیز حقوقدانان از اهم مباحثی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

## ب) فرضیه ها

- ۱- برای تغلیظ دیه فقط لازم است صدمه در ماه حرام یا در حرم مکه رخ داده باشد
- ۲- در قانون مجازات اسلامی و فقه شیعه تغلیظ محدود به قتل شده است.
- ۳- در قرآن کریم هیچ مورد یا آیه ای صراحتاً برای تغلیظ دیه وجود ندارد ولی در سنت و روایات به نحو مطلوب ادله ای وجود دارد که می توان مسائل مرتبط را پاسخ گو باشد.
- ۴- مغلظ مانند خود دیه ماهیت خاص دارد و با نهاد های مدنی یا جزایی دیگر قابل توجیه نیست.
- ۵- تغلیظ دیه در ماههای دیگر و بقاء متبرکه دیگر امکان پذیر نیست.
- ۶- جهل موضوعی می تواند در موضوع تاثیر گذار باشد اما جهل حکمی تاثیری ندارد.
- ۷- فلسفه تغلیظ دیه و ماههای حرام از ابتدا، جلوگیری از جنگ و خونریزی بوده است.

## ج) اهداف

باید توجه داشت که قانون گذار در موضوع تحقیق به صورتی کاملاً کلی و بدون وارد شدن به جزئیات اقدام به طرح مسئله و وارد کردن حکم به نظام کیفری نموده است. بنابراین ضروری است که این ماده مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرد تا بتواند به قضات در جهت اجرای عدالت قضایی و صدور احکام نهایی با توجه با تناسب، و بر اساس درک صحیح از قوانین و آرا فقهی و جلوگیری از تضییع حقوق متهمین پرونده و در نهایت اجرای سریع احکام اسلام به نحوه کامل و شایسته در جامعه کمک کند بنابراین می توانیم اهداف را به سه قسمت عمده به شرح ذیل بیان نماییم: هدف اول: بررسی و ارائه نظرات متناسب راجع به مواردی که در آنها شبهه تغلیظ دیه وجود دارند. مواردی مانند الف- اینکه روشن شود غیر از واقع شدن صدمه و فوت در ماه حرام یا حرم مکه آیا شخصیت جانی و مجنی علیه و وجود رابطه خویشاوندی بین آنها تأثیری در موضوع دارد یا خیر؟ در این رابطه علت حذف تبصره ماده ۲۹۹ ق.م.ا.اسلامی چه بوده است. ب- در

بحث قتل در حرم مکان قرار گرفتن جانی چه تأثیری بر تغلیظ دیه دارد و حدود حرم مکه با توجه به این حکم خاص است کجاست، نظرات فقهی راجع به آن چگونه است و همچنین عرف کشور عربستان چیست؟ ج- یک بحث کلی تر و اینکه آیا ماههای حرام و حرمت حرم با وجود شرایط زمانی و اینکه ما در کشور ایران با یک تقویم شمسی سر و کار داریم جهل قاتل به حکم تغلیظ دیه و یا جهل وی به حرام بودن ماه یا در حرم بودن در حکم به تغلیظ دیه چه تأثیری دارد؟ د- اگر هر دو جهت تغلیظ دیه با هم جمع شوند (یعنی قتل در ماه حرام و در حرم مکه) مقدار دیه مغلظه چقدر خواهد بود و شبهاتی از این دست که باید به آنها با توجه به قانون و فقه اسلامی پاسخ گفت.

هدف دوم: با توجه به اینکه در قانون و فقه بحث تغلیظ دیه راجع به قتل بیان شده با بررسی علت و فلسفه تغلیظ دیه لازم است روشن شود: اولاً- آیا می‌توان این موضوع را به موارد غیرقتل مثل قطع عضو و جراحات تسری داد؟ ثانیاً- آیا این بحث راجع به هر سه نوع قتل جاری است یا خیر و همچنین در رابطه با مواردی مثل تصادفات رانندگی که دیه در حکم شبه عمد است و نیز قتل خطای محض آیا تغلیظ دیه توجیه شرعی دارد؟ ثالثاً- آیا حقوقی که در دریافت دیه مازاد برای اولیاء دم مقتول قرار داده شده برای اهل ذمه نیز وجود دارد؟ پاسخ به این مسائل به ما کمک می‌کند که شناختی بهتر راجع به موضوعات مشمول تغلیظ دیه داشته باشیم که این امر در جهت اجرای عدالت و صدور احکام نهایی با توجه به تناسب بین عمل ارتكابی و میزان تقصیرات و سوءنیت مجرم با میزان مجازات اعمال شده در شرع همراه باشد.

هدف سوم: ارائه و بررسی دلایل و مستندات موجود در منابع فقهی شیعه و همچنین کتابهای معتبر فقهی و حقوقی مذاهب عامه (با تأکید بیشتر بر چهار مذهب اصلی حنفی، شافعی، حنبلی، مالکی) و تجزیه و تحلیل آنها و بررسی و نتیجه‌گیری در رابطه با نظرات فقها راجع به دایره شمول و گستره‌ی موارد و مصادیقی که در آنها قاعده تغلیظ دیه وجود دارد. همچنین بررسی اختلاف نظرانی که فقهای اهل سنت با شیعه در این بحث دارند.

## د) سوابق تحقیق

در خصوص سابقه تحقیق راجع به تغلیظ دیه باید گفت با توجه به موقعیت قرار گرفتن آن در باب دیه تقریباً در تمام کتابهای فقهی قسمتی از بحث را به خود اختصاص داده است اما این مشکل وجود دارد که هیچ کدام تمام مسائل و سوالات پیش رو راجع به تغلیظ دیه را پیش بینی و مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده است به خاطر همین موضوع مقالات زیادی نیز بوده است که هر کدام گوشه ای از موضوع را مورد نقد و بررسی خود قرار داده است و به طور کامل و منسجم موضوع را در بر نگرفته است. با این حال کتب و مقالات و پایان نامه هایی که می‌تواند در این رابطه کمک کند، در پایان نامه مورد استفاده قرار گرفته است.

## و) ساختار تحقیق

این تحقیق در سه فصل ارائه شده در فصل اول که اختصاص به کلیات دارد، ابتدا پیشینه تاریخی ماه های حرام قبل از اسلام و بعد از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد در مبحث دوم، تعاریف مورد نیاز تحقیق یعنی تعریف دیه و تغلیظ عنوان می‌شود و بعد از آن در مبحث سوم ماهیت تغلیظ دیه را تشریح خواهیم کرد در این قسمت که یک قسمت

مفصلی خواهد بود قصد داریم با توجه به خود دیه و بررسی ماهیت آن نتیجه بگیریم که دیه مغلط چه ویژگی‌هایی دارد. در آخر یعنی مبحث چهارم، فلسفه حرمت ماه‌های چهارگانه و به دنبال آن تغلیظ را عنوان می‌کنیم.

فصل دوم اختصاص به بررسی ادله و احکام تغلیظ دیه و مباحث پیرامون آن در فقه اسلامی با توجه به فقه عامه دارد. در مبحث اول به اسباب تغلیظ دیه یعنی ادله و احکام ماه‌های حرام و بعد از آن تأثیر رابطه خویشاوندی در تغلیظ دیه و تقابل این موضوعات با هم پرداخته می‌شود و در مبحث دوم شرایط و کیفیت تغلیظ دیه بیان می‌شود در این مبحث بسیاری از سئوالات پاسخ داده می‌شود.

در فصل آخر یعنی فصل سوم که تغلیظ در حقوق کیفری نام دارد سعی می‌شود مباحث هر دو فصل قبل را در حقوق کنونی مورد بحث قرار دهیم البته با توجه به این نکته که قانون ما بر گرفته از شرع است و به خاطر همین بیشتر مباحثی عنوان می‌شود که در آن قانون یا نظر مشهور را نپذیرفته یا با الفاظی که بیان کرده این شبهه ایجاد می‌شود که نظر خاصی را در نظر داشته است. پس در این فصل مباحث زیر را بیان می‌کنیم، در مبحث اول حرمت ماه‌های حرام و سابقه قانونی آن را داریم.

سپس در مبحث دوم ماهیت دیه مازاد را از نظر قانون تحلیل خواهیم کرد که در مبحث سوم اسباب تغلیظ دیه و در مبحث چهارم شرایط تغلیظ دیه در قانون را بیان می‌کنیم. در پایان نیز از کلیه مباحث عنوان شده یک نتیجه‌گیری خواهیم داشت.

## ۵) روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیلی است یعنی با گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع عربی، فارسی، و بهره‌گیری از مقالات و فصلنامه و پایان‌نامه‌های مرتبط و بعد از آن استفاده از ادله و تجزیه و تحلیل آنها این تحقیق به رشته تحریر در آمده است، همچنین از اطلاعات سایت‌های مرتبط حقوقی و فقهی و مراکز استفتاء مراجع تقلید استفاده شده است.

## فصل اول

### کلیات

در رابطه با مسائل مربوط به انسان، چون خود انسان یک موجود اجتماعی است، پس مسائل پیرامون او نیز در بستر اجتماع شکل گرفته و دچار تحول می گردد بنابراین همواره برای فهمیدن موضوع بهتر است ابتدا به سابقه تاریخی آن نگاهی بیندازیم. با توجه به شرایط زمانی و مکانی نزول وحی و آداب و رسوم قوم عرب، یک سری ملاحظاتی وجود داشته که بررسی آن‌ها می تواند به اعتلای مطالب کمک کند، همچنین اگر ابتدا از موضوع یک تعریف دقیق داشته باشیم و بعد از آن اگر یک دید درست به ماهیت و فلسفه وجودی بحث به دست آوریم قطعاً در پاسخ گویی به ابهامات و مسائل به وجود آمده می توانیم نظرات بهتری ارائه کنیم.

#### ۱-۱- پیشینه تاریخی ماه های حرام

باید توجه کرد که تاریخ عرب از زمان جاهلیت نسبت به بعد از آن کاملاً متحول شده است و با دو بازه زمانی کاملاً متفاوت روبرو هستیم به طوری که بسیاری از ارزش ها به ضد ارزش تبدیل می شود و برعکس، پس ابتدا تاریخچه را در قبل از اسلام و سپس بعد از اسلام مرور می کنیم.

## ۱-۱-۱ قبل از اسلام

فرهنگ جاهلیت همان گونه که از عنوان جاهلیت بر می آید اساساً بی فرهنگی و زندگی کردن در حد جهل بوده است. در آن محیط به تنها چیزی که اهمیت داده نمی شد علم و فرهنگ و آگاهی بود و معیار ارزش های حیاتی آن جز زور شمشیر و نیزه، زبان چرب و نرم، شعر، و خطابه، جنگ و خونریزی و انتقام، ارزش نهادن به نسب، چیز دیگری نبود (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۳۲). روح کینه توزی و دشمنانه و تعصب و خونخواهی و قبیله کشی و نا آرامی و سرکشی از ویژگی های زندگی بدویان و بیابان نشینان عربستان بوده است (ساکت، ۱۳۶۵: ۲۹). انتقام در نزد اعراب یک وظیفه بوده و در عین حال نشانه هایی از افتخار و شرافت بشمار می رفت. اعراب معتقد بودند که درحین انتقام گرفتن، جان را از کف دادن با ارزشتر از زندگی کردن در میان شرم و سرافکنندگی است (مظلومان، ۱۳۵۶: ۱۲۹). هرگاه کسی از آن ها توسط فردی دیگری کشته می شد، هنگامی که پای خون بها به جای انتقام به میان می آمد آن را نوعی ننگ و سرشکستگی می دانستند (ساکت، ۱۳۶۵: ۳۴). به همین دلیل است که بسیار کم دیده شده که اعراب جاهلی به جای انتقام به گرفتن خون بها قانع شده باشند و این انتقام در نزد اعراب بیابانگرد قبل از اسلام به دو صورت بوده است: ۱- انتقام شخصی ۲- انتقام جمعی (همان، ۱۳۵۶: ۱۲۸).

انتقام شخصی میان افراد صورت می گرفت و انتقام جمعی بین طوایف و قبیله ها انجام می شد انتقام شخصی معمولاً به یک جنگ همگانی بدل می گشت زیرا هرگز انتقام روی فردی که مسئول بود انجام نمی گرفت بلکه همه اعضای خانواده و قبیله او را نیز مورد صدمه و زیان قرار می داد (همان، ۱۳۵۶: ۱۲۸). انتقام از قاتل و بیشتر همراه با طایفه و یا قبیله اش نوعی اعتبار و آبرو برای قبیله مقتول بود پس آنچه که پای اعتبار و آبروی قبیله در میان بود این دیگر فرد نبود که به انتقام بر می خیزد بلکه کسان و وابستگان یک قبیله به کینه توزی در میازیدند.

هنگامی به قبیله ای اهانت می شد و افتخارات و نژاد و تبار و امتیازات ویژه آن نادیده و یا به چشم بی حرمتی و سبکی و خواری و بی ارزشی گرفته می شد همه قبیله در برابر فرد یا قبیله ای که مرتکب چنین بزه می شده بودند می ایستادند و پیگرد رنگ همگانی می گرفت نه خصوصی و شخصی (ساکت، ۱۳۶۵: ۳۰).

در قتل آنچه مهم و یا مقدس بود انتقام بود و در خون خواهی نه انگیزه قتل مهم بود و نه اینکه به درستی قاتل و بزه کار چه کسی بود. تنها چیزی که اهمیت داشت فرو نشستن حس انتقام و خونخواهی بود. همیشه در خون خواهی زیاده روی می شد به هر حال چیزی جز خون تشنگی کینه توزی آنان را فرو نمی نشاند (ساکت،

۱۳۶۵: ۳۲). گویند فردی یکی از کسان اشراف را کشت. خویشان قاتل پیش پدر مقتول آمدند و به او پیشنهاد سازش دادند و گفتند: برای رضایت دادن از ما چه می خواهی؟ پدر مقتول- ولی دم- پاسخ داد: من یکی از سه چیز را از شما می خواهم، یا پسرم را زنده کنید، یا خانه ام را از ستارگان آسمان آکنده سازید و یا قبیله خود را به من بسپارید تا آنان را کشتار کنم، تازه به اندیشه من اینکار جای خون پسرم را نمی گیرد (فیض، ۱۳۷۳: ۳۱). عرب جاهلی می پنداشت تا انتقام خونی گرفته نشود روح او سرگردان گرداگرد زمین می چرخد یا در سیاه چال گور می ماند و یا به دست پرنده ای به نام «صدی» شکنجه می بیند. از سوی دیگر به باور عرب جاهلی، پرنده ای شوم از سر مقتول بیرون می آید و گرداگرد گورش پرواز می کند و پیوسته بانگ می زند «مرا سیراب کنید! مرا سیراب کنید!» و تا خاندان یا قبیله مقتول به خونخواهی برنخیزند از فریاد باز نمی ایستند، زنان در خونخواهی و کینه توزی بیشتر از مردان پا می فشردند و نه تنها آنان را از سازش باز می داشتند. بلکه پذیرش دیه و دست از خونخواهی کشیدن و خون را با خون نشستن، مردان را به سختی نکوهش می کردند.

همچنین اعراب کسی را که به پذیرش غرامت تن در می داد از خود طرد می کردند و به اخذ خون بها اکتفا می نمودند مورد سرزنش و حمله شدید قرار می گرفتند. به همین جهت همه افراد خانواده ها ترجیح می دادند که دست به انتقام بزنند.

با توجه به این گاهی دو قبیله یا دو طایفه پس از نزاع های خونین و نبردهای سخت و ویران کننده و قتل و غارت ها با وساطت ریش سفیدان و برخی مصلحان دیگر به سازش و صلح تن در می دادند. این سازش و آشتی به چند طریق انجام می شد که از جمله آنها پرداخت غرامت و تغییر طایفه و شرمسار کردن مقصر بود. اعراب ضرب المثلی داشتند که همیشه تکرار می کردند «ما می توانیم آتش جهنم را تحمل کنیم ولی قادر نیستیم از انتقام خون آلود صرف نظر نماییم» (ساکت، ۱۳۶۵).

حنسا یکی از شاعره های عرب می گوید: «هیچ گاه نباید غرامت دریافت کرد و از خون خواهی صرف نظر نمود، این یک شرمندگی بزرگ است.» یا یک ضرب المثل دیگری می گوید: «چه شرمی از این بالاتر که در حالی که تیرگی و حشتناک، گور مقتول را پوشانده است به غرامت گرفتن مبادرت شود» (همان، ۱۳۶۵).

پس دیدیم که در زمان جاهلیت اخذ دیه به جای انتقام بسیار نادر بوده و بیشتر نظام خون به جای خون بها حکمفرما بوده است. اما در برخی جوامع تحولاتی در انتقام جمعی به وجود آمد. و به جای شستشوی خون به وسیله خون، خون بها رایج شد. این نوع عملکرد در بیشتر قبایل و طوایف مخصوصاً در میان اعراب رایج شد. در آن زمان دیه یا خون بها، شتر بود هر چند دیه قتل عمد، صد شتر بود ولی گاهی با نگرش به وضع و شخصیت مقتول از آن هم فراتر می رفت. گاه می شد یک قبیله به جهت شرف و منزلتی که برای خود قائل بود، به هنگام



اخذ دیه از قبیله دیگر به مقدار دو دیه کامل مطالبه می‌کردند، اما خود به هنگام پرداخت یک دیه بیشتر نمی‌پرداختند. اما در این موضوع که از چه موقع دیه در بین اعراب جاهلی ۱۰۰ شتر تعیین گردید به درستی معلوم نیست. اما اکثر مورخان می‌گویند که عبدالمطلب جد پیامبر اکرم (ص) سنت ۱۰۰ شتر را به عنوان دیه کامل بنیان نهاد و بعد از او در قریش و سایر قبایل عرب همین سنت پا برجا شد. در این زمینه روایتی نیز وجود دارد که امر فوق را تأیید می‌کند: پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: «ای علی، عبدالمطلب در جاهلیت پنج قانون نهاد که خدا آن‌ها را در اسلام روان ساخت تا آنجا که در مورد دیه قتل، یکصد شتر را دیه قرار داد. و خداوند آن را در اسلام جاری ساخت» (مظلومان، ۱۳۵۶).

باید گفت که با اینکه اعراب جاهلی سرانجام به سختی جانشینی دیه به جای انتقام را قبول کردند اما این نظام اخذ دیه در نزد آنان کاملاً اختیاری بوده و دو طرف مخاصمه می‌توانستند بر هر مبلغی مصالحه کنند و چنان چه تاریخ نشان می‌دهد اعراب جاهلی در طی مراحل تکاملی دادرسی در بین خود، هرگز به مرحله دیه اجباری نرسیدند، زیرا هیچ مرکزیت و قوه حاکمه ای که بتواند متخاصمان را وادار به پذیرش مقدار معینی از دیه بنماید وجود نداشت و غالباً عشایر به جنگ‌های طولانی دست می‌یازیدند تا طرف مقابل را راضی کنند که مقدار دیه درخواستی را بپردازد. از طرفی، قوم عرب، تجاوز به همسایگان و افراد قبیله‌اش را همچون تجاوز به خود می‌دانست و به حمایت از آنان بر می‌خواست. عرب شهرنشین نیز که شغل عمده‌اش بازرگانی بود، علاوه بر موارد فوق گاهی برای دفاع از امنیت تجارت و حفاظت از کاروان‌های خود، مجبور به جنگ با تجاوزگران می‌شد.

در این شرایط و خیم اندک خردمندان قبایل به این فکر افتادند که با ایجاد سنتی چندین ماه جنگ و جدال را متوقف کنند تا مردم مدت کوتاهی از سال را بتوانند در آرامش زندگی کنند این ماهها، ماههای حرام نام گرفته و جنگ در این زمانها ممنوع شد. یعنی همین اعراب جنگ جو، سنتی داشتند که در چهار ماه از سال یعنی ماه‌های رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم دست از جنگ می‌کشیدند. حتی در کتابها آمده است که سوارکارانی که به خونریزی معروف بودند، در این ماهها بدون ترس در مجامع و بازارها حاضر می‌شدند و در این مواقع حتی ولی مقتول، قاتل را می‌دید، متعرض او نمی‌شد.

البته ظاهراً گاهی در این ماه‌ها نیز جنگ‌های کوچکی رخ می‌داده که به آن جنگ‌ها «فجار» می‌گفتند. علت نهادن این نام نیز بر چنین جنگ‌هایی آن بوده که قوم عرب، شرکت کنندگان در این جنگ‌ها را گناهکار می‌دانسته است. ضمناً عرب‌ها قانونی نیز به نام نسیء داشتند و آن به این ترتیب بود که گاهی جنگ‌های قبیله‌ای در آستانه ورود به ماه‌های حرام شروع می‌شد و شیوخ قبیله نیز می‌ترسیدند که با رسیدن ماه‌های حرام، آتش جنگ، سرد شود و آنان از خونخواهی باز بمانند. هم پیمان می‌شدند و این چهار ماه یا یکی از آنها را با ماه

دیگری معاوضه می‌کردند، مثلاً به جای محرم، صفر را حرام می‌کردند و در محرم که حرام بود به جنگ و خونریزی می‌پرداختند. این به تأخیر انداختن ماه‌های حرام را نسیء می‌گفتند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۱۴). اما به هر حال با وجود اندک جنگ‌های فجار و وجود قانون نسیء، در کل می‌توان گفت که ماه‌های حرام نزد عرب از حرمت والایی برخوردار بوده است.

### ۱-۱-۲- بعد از اسلام

با آمدن اسلام نه تنها نظام دیه رد نشد، بلکه با پذیرفتن آن، ابعادش نیز توسعه یافت. قرآن کریم در آیه ۹۲ از سوره مبارکه نساء به تشریح حکم دیه پرداخته، می‌فرماید: «هیچ مؤمنی حق نداشته و ندارد که مؤمن دیگری را بکشد مگر اینکه از روی خطا باشد و هر کس که مؤمنی را از روی خطا کشت باید یک بنده مؤمن، آزاد و دیه را تسلیم اهلیش کند، مگر آنکه گیرندگان دیه گذشت کنند» (همان، ۱۳۶۳).

با این وجود دین مقدس اسلام درباره نظام دیات، روش جدیدی را بنا نکرده است، لکن دیه را به همان مفهوم عرفی و عقلایی پذیرفته است. البته این قابل انکار نیست که اسلام در رابطه با نظام دیات توسعه قائل شده است. به همین جهت با قراردادن مقررات ویژه‌ای آن را مضبوط ساخته است، تا از اعمال سلیقه‌های شخصی و سنت‌های قبیله‌ای ممانعت به عمل آورد.

شریعت مقدس اسلام، ضمن امضای نهاد دیات، آن را بر نظام خاصی مبتنی کرد. در قتل و جرح عمدی اصولاً «نظام اختیاری» دیه را برگزید. در قتل و جرح غیر عمدی و همچنین پاره‌ای از قتل‌ها و جراحات‌های عمدی - تحت شرایطی خاص - «نظام اجباری» دیه را پذیرفت. شان و طبقه اجتماعی را به عنوان ملاک و ضابطه تعیین نوع و مقدار دیه، منسوخ نمود.

در کنار این امر اسلام بحث ماه‌های حرام را به لحاظ فلسفه مهم و اساسی که در بطن آن وجود داشت که بعداً بیشتر به آن اشاره می‌شود پذیرفت و آن را تنفیذ کرد خداوند متعال حتی با بکارگیری واژه «لا تظلموا» در سوره توبه (آیات ۳۷ و ۳۸) که (در رابطه با ماه‌های حرام است) قلمرو آن را توسعه داد، البته نکته قابل توجه این است که راجع به حکم تغلیظ دیه در قرآن به صراحت اشاره‌ای نشده است اما آیات متعددی در قرآن که تعداد آن‌ها به هفت آیه می‌رسد بر وجود احترام و حرمت ماه‌های حرام تأکید نموده است. این آیات و همچنین روایات و احادیث مرتبط در قسمت ادله و جوب تغلیظ دیه در فصل بعد بررسی خواهد شد.

### ۱-۱-۳- ماه های حرام

ماه های قمری عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادی الاول، جمادی الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذیقعد، ذیحجه. از این دوازده ماه، چهار ماه رجب، محرم، ذیقعد و ذیحجه ماه های حرام شناخته می شوند که هرگونه جنگ و نبرد در آنها حرام شمرده می شد. سه ماه پشت سرهم و یک ماه (رجب) جدا از بقیه است. بعضی از مفسران قرآن کریم، تحریم جنگ در این چهارماه را از زمان حضرت ابراهیم (ع) می دانند (همان، ۱۳۶۳). در عصر جاهلیت نیز این قانون به عنوان یک سنت به قوت خود باقی بود. هرچند آنها طبق میل خود گاهی جای این ماه ها را تغییر می دادند. ولی در اسلام همواره ثابت و غیر قابل تغییر شد. هر کدام از این ماه ها دارای ویژگی ها و خصوصیات خاصی می باشد از جمله:

**ماه ذیقعد** ماه یازدهم از ماه های قمری، از ماه های حج و نیز از ماه های حرام است. این ماه اولین ماه از ماه های چهارگانه ای حرام است. خداوند در قرآن می فرماید: «الحج اشهر معلومات» (بقره، ۱۹۷). حج، در ماه های معینی است که بخاری از قول ابن عمر نقل می کند که شوال و ذیقعد و دهه ذیحجه مربوط به حج است.

**ماه ذیحجه** دوازدهمین و آخرین ماه از ماه های قمری و همچنین از ماه های حرام و ماه های حج است. این ماه از ماه های بسیار شریف است. دهه اول آن فضیلت بسیاری دارد و از ایام معلومات است که در قرآن بر آن اشاره شده است (بقره ۱۹۷).

**ماه رجب** هفتمین ماه از ماه های قمری، ماهی بسیار شریف و از ماه های حرام است. رجب نام نهری است در بهشت که از عسل شیرین تر از شیر سفیدتر و هر کس در این ماه روزه دارد از آن نهر آب می نوشد. به ماه رجب، رجب الاصباء؛ یعنی ماه ریزش رحمت خداوند به مردم نیز می گویند. پیامبر اسلام (ص) فرمود: ماه رجب برای امت من، ماه استغفار است. رجب ماه خدا، شعبان ماه من و ماه رمضان ماه امت من است. هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، مستوجب خشنودی خداوند گردد. غضب الهی از او دور می گردد و دری از درهای جهنم به روی او بسته می شود. در حدیث دیگری آمده است که هر کس سه روز از آن رو روزه بگیرد بهشت را بر او واجب گردد.

**ماه محرم** نخستین ماه از ماه های دوازده گانه قمری و یکی از ماه های حرام است که در دوران جاهلیت و نیز در اسلام، جنگ در آن تحریم شده است. شب و روز اول محرم به عنوان اول سال قمری و ادای نماز و آداب خاصی است که در کتاب شریف مفاتیح الجنان بیان شده است.

## ۲-۱- تعاریف

در رابطه با تعریف عنوان تغلیظ دیه به مفاهیمی همچون خوددیه و دو برداشت متفاوت از تغلیظ بر می‌خوریم که هر کدام از اینها یکی از عناصر تشکیل دهنده تعریف موضوع می‌باشند، سعی میشود که به طور مختصر و مفید به تعریف و شرح هر کدام از این موارد پرداخته شود.

### ۱-۲-۱- دیه

در این قسمت ابتدا دیه از لحاظ لغوی و سپس مفهوم اصطلاحی آن در فقه تعریف می‌شود.

#### ۱-۱-۲-۱- تعریف لغوی دیه

«مراد از دیه، "ودیه" است که "واو" آن حذف و "هاء" به جای آن در آخر کلمه افزوده شده است. پس در اصل «ودی» یا «ودیه» بوده است. گفته می‌شود: ودی القتیل و دیا و دیه (من خون بهای کشته را دادم). "د" امر آن است که «دِ» فلاناً (بده دیه فلان را) و در مثنی و جمع «دیا» و «دوا» می‌شود: «دوا» فلاناً (بدهید خون بهای فلان کشته را). و در حدیث قسامه است: فاداه من ابل الصدقه، (پیغمبر خدا (ص) دیه کشته را از شرهای زکات دادند) و از پیامبر (ص) است: «اذا شاء و اقاروا، و ان احبوا و ادوا: (اگر خواستند قصاص می‌کنند و اگر خواستند دیه می‌دهند و می‌گیرند)، و این ضابطه از دیه است، می‌گویند: وادی فلان فلاناً هر گاه دیه ی او را به ولی بپردازد» (ادریس، ۱۳۷۷: ۲۵).

این کلمه از نظر لغوی مصدری است که بر مبنای اسم مفعول به کار می‌رود، یعنی همان طور که واژه ی خلق = آفرینش به معنای مخلوق = آفریده به کار می‌رود، دیه نیز در حقیقت به معنای ادا کردن است به جای اسم مفعول یعنی آنچه ادا می‌شود به کار می‌رود، البته معنای آن خاص شده و تنها به مالی که در مقابل تلف نفس پرداخت می‌شود، اطلاق دیه می‌شود (شفیعی سروسستانی، ۱۳۷۶: ۴۷).

در لسان العرب آمده است: «الدیه حق القتیل» و در المنجد می‌خوانیم «الدیه ما يعطى من المال بدل نفس القتیل» (میرسعیدی، ۱۳۷۳: ۲۰). در فارسی لفظ دیه به خون بها ترجمه شد (دهخدا، ۱۳۴۹: ۴۹۰).

برای واژه ی دیه لغت مترادفی وجود دارد که به دلیل استعمال برخی از آن‌ها در کتب فقهی مذاهب اسلامی به آن اشاره می‌کنیم.

**عقل:** یکی از لغات مترادف دیه عقل است، تسمیه ی دیه به عقل بدین جهت بوده است که در جاهلیت، شتر به عنوان اصلی‌ترین اموال مردم آن روزگار، شده و قاتل موظف بوده است که شتر را در آستانه ی خانه ی ورثه ی مقتول آورده و آن را با ریسمانی که بدان عقال می‌گفتند ببندند. از این رو حصول عقل که در اصل به